

## تک‌مضارب

کشف قدیمی‌ترین ابزار موسیقی دنیا  
**ار کستر ۴۰هزارساله**  
**نگار کر میان**



■ تصور می‌کنید قدیمی‌ترین ابزار موسیقی ساخت انسان، چقدر قدمت داشته باشد؟ براساس خبری که چندی قبل منتشر شده محققان ابزارای را شناسایی کرده‌اند که از آن به عنوان قدیمی‌ترین ابزار شناخته‌شده موسیقی در جهان یاد می‌شود. نخستین ابزار موسیقی ساخت انسان یک فلوت است که بین ۲۲ تا ۴۳ هزار سال قدمت دارد! لازم به ذکر است که یک سیستم جدید تخمین قدمت فسیل‌ها، در این راه به دانشمندان کمک کرده است. دانشمندان برای مشخص کردن قدمت این ساز، از روش تعیین‌عمر کرنی استفاده کردند. این فلوت که از استخوان پرنده و دندان ماموت ساخته شده، در غاری در جنوب آلمان پیدا شده است. نخستین شواهد حضور انسان‌های خردمند (Homo sapiens) در اروپا، در این غار که «گایسن کلوسترله» (Geissenklosterle) نام دارد، پیدا شده است. این غار یکی از چند غار اروپاست که شواهد به کارگیری هنر تزئینی، هنر تمثیلی، تصویرسازی اسطوره‌ای و ابزارهای موسیقی در آن پیدا شده است. کارشناسان اعتقاد دارند که آدم‌های اولیه از موسیقی برای سرگرمی و آیین‌های مذهبی استفاده می‌کردند. برخی از محققان استدلال کرده‌اند که موسیقی یکی از رفتارهای جمعی انسان‌هاست که به آنها کمک کرده از حالت غارنشینی خارج شوند. وضعیت غارنشینی در بسیاری از قسمت‌های اروپا ۳۰ هزار سال پیش از بین رفته است. پیش از این نیز یکبار دیگر محققان توانستند تمام اجزای یک فلوت قدیمی را که ۳۵ هزار سال قدمت دارد، در غار «هول فلی» در جنوب غربی آلمان کشف کنند. همچنین پیش از آن نیز، یک فلوت دیگر کشف شده بود که قدمت آن ۳۴ هزار سال بود. به گفته باستان‌شناسان آلمانی، کشف این فلوت جدید به‌خصوص از نظر موادی که در ساخت آن به کار رفته، بسیار اهمیت دارد؛ زیرا فناوری استفاده شده برای ایجاد این ابزار موسیقی، بسیار پیچیده و به دست‌های ماهر نیاز داشته است. نتایج این یافته‌ها در مجله «Human Evolution» منتشر شده است.

## مدار صفر درجه

**اخلال در قدیمی‌ترین پایگاه فضایی جهان**  
**مناقشه بر سر منطقه فرود موشک**



■ مهر: قزاقستان که میزبان پایگاه فضایی بایکونور روسیه است، از پرتاب سه ماهواره این کشور به علت مناقشه بر سر منطقه فرود موشک جلوگیری کرد. قزاق بود مرحله نخست موشک‌های سایوز، هفت ماهواره را پرتاب کند تا بقایای آن در منطقه‌ای در شمال قزاقستان (که گاهی به عنوان منطقه‌ای برای بقایای موشک‌ها در نظر گرفته می‌شد، سقوط کند. قزاقستان استدلال می‌کند برای اینکه از این منطقه استفاده شود، دو طرف باید توافقی را امضا کنند که براساس آن روسیه اجارهای بابت این منطقه به قزاقستان بپردازد. یک منبع آگاه در سازمان فضایی روسیه اظهار داشت: «با این وضعیت ما اصلانی توافیم به تعهدات خود عمل کنیم، چه رسد به تعهدات بین‌المللی». پرتاب‌هایی که قرار بود انجام شود، به تأخیر افتاده است مثل پرتاب ماهواره هوشناسی اروپایی MetOp-B که تاریخ آن سوم خرداد تعیین شده بود. پرتاب ماهواره‌های بلاروس، کانادا، آلمان و دو ماهواره روسی در ماه ژوئن و پرتاب ماهواره روسی Resurs-P نیز برای ماه آگوست برنامه‌ریزی شده بود. اکنون مشخص نیست که چگونه و چه زمانی ماهواره روسیه پرتاب شوند. همچنین تاکنون درباره چگونگی تأثیر این مناقشه بر پرتاب‌های سرنشین‌دار مرکز فضایی بایکونور هیچ اظهارنظری نشده است، چرا که این پروازها از موشک سایوز استفاده و بقایای آن در منطقه‌ای دیگر سقوط می‌کند. این منبع آگاه در سازمان فضایی روسیه اظهار داشته یکی از علت‌های احتمالی این مناقشه ساخت یک پایگاه فضایی جدید در روسیه است و زمانی که کامل شود، جانشین پایگاه فضایی بایکونور خواهد شد. گفته می‌شود قزاقستان از این موضوع وحشت دارد که این پایگاه فضایی جدید موجب شود که روسیه توافق اجاره بایکونور را لغو کند. این قرارداد تا سال ۲۰۵۰ اعتبار دارد و مسکو سالانه ۱۱۵ میلیون دلار برای آن می‌پردازد. بایکونور پایگاه فضایی تاریخی اتحاد جماهیر شوروی بود و «یوری گاگارین» در سال ۱۹۶۱ از آنجا برای نخستین‌بار به فضا رفت. پس از سقوط شوروی، مسکو با توافق قزاقستان کنترل این پایگاه را در دست گرفت. گفتنی است پایگاه فضایی بایکونور قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین پایگاه پرتاب فضایی فعل در جهان است. این پایگاه رکورددار تعداد پرتاب‌های فضایی در جهان است.



چرا رویا می‌بینیم؟ چرا رویا به صورت بصری برایمان ظاهر می‌شود؟ چرا رویاهایمان به شکل یک جمله یا یک قطعه موسیقی نیست؟ قطعه‌ای که با هیچ تصویری همراه نباشد؟ چرا مثلاً رویاهایمان صرفاً لمس یک گل نیست؟ از خواب بیدار شویم و یادمان بیاید که دیشب در رویا گل سرخی را لمس کردیم، بدون آنکه تصویری از آن در خاطرمان باشد؟

ما در طول روز به موضوعات مختلفی فکر می‌کنیم. چرا رویاهایمان شامل فقط چند دقیقه تفکر نیست؟ از خواب بیدار شویم و یادمان بیاید دیشب در رویایی فقط اندیشیدیم، بدون آنکه از داده‌های حسی‌ای چون تصویر، صدا یا بو خبری باشد. به واقع هم اکثر رویاهای ما بصری هستند. همان‌طور که محققان ذکر کرده‌اند، برای اکثر مردم رویا به صورت یک تجربه بینایی پدیدار می‌شود. حدود نیمی از رویاهای علاوه بر تجربه بصری، جنبه‌های شنیداری نیز دارند. یعنی در طول رویا علاوه بر دیدن رویای مزبور صدای وقایع را هم می‌شنویم. در کمتر از یک‌درصد رویاهای حواس دیگر ما همچون چشایی، بویایی یا لامسه دخالت دارند. شاید بسیاری از ما خاطره‌ای مبنی بر چشیدن مزه غذا یا بوییدن یک عطر خوش طلی یک رویا نداشته باشیم، بنابراین همان‌طور که گفتیم ما رویا را به عنوان یک تجربه بینایی می‌شناسیم، انگار در پیچه رویا به نوعی تقویت و تشدید حس بینایی است. دیدن، مهم‌ترین وجه یک رویا را شامل می‌شود و این‌گونه است که ما به شکل عجیبی رویا را «می‌بینیم» و گاه این تجربه بینایی چنان تقویت می‌شود که به رویاهایمان شکلی vivid یا روشن می‌بخشد و ما موضوعی را به شکلی کاملاً واضح در رویا می‌بینیم، درست همانند شرایطی که استرس آگاهی ما را به حد اعلا می‌رساند و تمام حواس ما، به واقع‌ای حولتک از پیرامونمان مغفوف می‌شود و این‌گونه، تجربه بصری آن واقعه در ما مضاعف می‌شود. رویاهایمان گاهی چنان واضح می‌شوند که انگار از روند فوق پیروی می‌کنند.

اما برای همه مردمان تجربه یک رویا به شکلی که بیان کردیم، اتفاق نمی‌افتد. تحقیقات نشان داده کسانی که دچار آسیب بینایی باشند، نسبت به انسان‌های معمولی ارجاعات حسی متفاوتی در رویاهایشان دارند. آنها به شکل فرایندهای با عناصر و ارجاعاتی از حواس دیگر یعنی چشایی و بویایی و لامسه در رویاهایشان روبه‌رو هستند به طوری که کسانی که به شکل مادرزاد نابینا هستند، ممکن است هیچ‌گونه عنصر بصری در رویاهایشان نداشته باشند؛ در واقع رویاهایشان را نبینند بلکه آن‌ها را بچشند یا لمس کنند و این دقیقاً به علت نحوه برخورد آنها با جهان خارج است. «دامهوف» با ارایه نظریه‌ای شناختی، رویا را نیز امری می‌داند که با رشد قوای مغزی در ما تکوین پیدا می‌کند. او رویاهایمان را ادامه اندیشه‌ها و فعالیت‌های روزانه و در حال بیداری می‌داند. بنابراین با این توجیه، دلیل رویاهای نامتعارف انسان‌های نابینان نیز مشخص می‌شود. انسان‌های نابینا به شکل فرایندهای متکی به حواس دیگری چون شنوایی و لامسه هستند، پس دور از ذهن نخواهد بود اگر رویاهایمان نیز به میزان بالاتری از این ارجاعات حسی تشکیل شده باشد. اما اگر رویا ادامه فعالیت‌های روزانه ماست، آن وقت به نتیجه جالبی در مورد انسان‌های بینا می‌رسیم که فاصله انسان‌ها را تشکیل می‌دهند. گفتیم که برای انسان‌های معمولی رویا یک تجربه بینایی است. می‌توان طبق نظر «دامهوف» این‌گونه حکم داد که از

آن رو رویا یک تجربه بینایی است و از آن رو ما رویا را «می‌بینیم» که در فعالیت روزانه، بینایی مهم‌ترین وسیله حسی ما در برقراری ارتباط با جهان خارج است. این‌گونه رویا به عنوان یک تقویت‌کننده و عاملی برای بزرگ‌نمایی وقایع روزانه ما عمل می‌کند. ما در طول روز با چشم‌های باز، شاهد تصویرها و ارجاعات بصری فراوانی هستیم ولی به همین میزان صداها و گوناگونی را هم می‌شنویم. اما رویا و ماهیت آن نشان می‌دهد که برای مغز ما بینایی بسیار بااهمیت‌تر از شنوایی است. ما نیز همواره بر دیده‌هایمان بیشتر تکیه می‌کنیم تا بر شنیده‌هایمان. دیدن، در نظر ما امری موثق است اما شنیده، همواره مشکوک و نامطمئن. این‌گونه است که ما رویا را به عنوان آینه‌ای شگفت‌انگیز از وقایع روزانه «می‌بینیم». کمتر «می‌شنویم» و بسیار کمتر «لمس می‌کنیم». اما اگر اهمیت قوه بینایی در رویا به صورت غیرمستقیم، اهمیت بسیار زیاد بینایی را برای پردازش‌های مغزی طی فعالیت روزانه نشان می‌دهد، آیا ممکن

است که بسیاری از پردازش‌های فلسفی ما نیز تحت‌تأثیر همین ارجح بودن قوه بینایی در فعالیت‌هایمان باشد؟ به سخن دیگر اگر نوع بشر تماماً نابینا بود و به جای بینایی بر حواس دیگری چون شنوایی تکیه داشت، آیا برداشت‌های فلسفی او نیز از جهان خارج دگرگون می‌شد؟ در اینجا فقط می‌خواهم به یکی از این مفاهیم فلسفی اشاره کنم که در طول زمان نقش بسیار مهمی در شناخت ما از خدومان و به تبع آن، شناخت از جهان خارج دارد و آن هم مفهوم «گو» یا «هن» است. مفهوم «هن» یعنی مفهومی که به یک فاعل تجربه‌کننده، اشاره دارد (هویتی که ناظر بر اعمال‌مان است و می‌تواند روند فعالیت‌های‌مان را دنبال کند) همواره مورد توجه فلاسفه

بررسی روان‌شناختی ارجاعات حسی در خواب دیدن

## رویا به مثابه یک تجربه بینایی



عکس: Ix

بوده است. زمانی «دکارت» با جمله مشهور «می‌اندیشم، پس هستم» بر وجود «خود» صحه می‌گذاشت، زمان دیگر تجربه‌گرای شکاکی چون «هیوم» مفهومی به نام «من» را در وجود انسان نفی می‌کند و باز در دستان «کانت» و با ارایه مفهوم «خوددارکی استعلایی»، مفهوم «من» شرط اساسی انسان برای شناخت جهان خارج تلقی می‌شود. اکنون می‌دانیم که این واژه شناختی‌ترانژسی همان مفهوم «هن» را به‌وجود می‌آورد، همان مفهومی که ما از لحاظ فلسفی و نظری در حال حاضر «هن» یا «گو» را به آن شکل می‌شناسیم؛ آیا دیگر جایی برای خوددارکی استعلایی «کانت» باقی می‌ماند؟ آیا ممکن بود که درک ما از خدومان به جای شمایی انتزاعی از بدن، به یک صوت یا نغمه تبدیل شود؟ در آن صورت آیا ممکن نبود که فلسفه نیز راهی متفاوت طی کند؟ به گمانم جملات مشهور «ادوارد ویلسون» در ابتدای کتاب سترگش «سوسیبیولوژی» بهترین حسن‌ختم مقاله ما باشد؛ «به گفته «کامو» «خودکشی تنها پرستی فلسفی جدی است که پیش روی ما نهاده شده. این حتی به مفهوم اخص مورد نظر اواشتباه است. زیست‌شناسی که با پرسش‌های فیزیولوژی و تاریخ سروکار دارد، به این نتیجه می‌رسد که خودشناسی را مراکز کنترل عاطفی مغز در هیپوتالاموس و دستگاه کناری (لیمبیک) شکل داده و مدیریت می‌کنند. این مراکز با سیلابی از عواطف (عشق، نفرت، ترس، گناه و غیره) خودآگاه را سیراب می‌کنند، عواطفی که فلاسفه اخلاق در تلاش خود برای درک معیارهای نیک و بد به آن توسل می‌جویند. پس به ناچار با این پرسش روبه‌رویم که هیپوتالاموس و دستگاه کناری را چه ساخته است؟ این‌ها با انتخاب طبیعی تکامل یافته‌اند. در توجیه اخلاق و فلسفه آن و اگر نه معرفت‌شناسی و معرفت‌شناسان، در هر سطحی باید در پی این بیان ساده‌زیست‌شناختی‌بود.» (سوسیبیولوژی: تلفیق نوین، ادوارد ویلسون، عبدالحسین وهاب‌زاده، چاپ ۱۳۸۴، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد).

دیدن، مهم‌ترین وجه یک رویا را شامل می‌شود و این‌گونه است که ما به شکل عجیبی رویا را «می‌بینیم» و گاه این تجربه بینایی چنان تقویت می‌شود که به رویاهایمان شکلی vivid یا روشن می‌بخشد و ما موضوعی را به شکلی کاملاً واضح در رویا می‌بینیم

مفهوم خود (self) به صورت همین حد و محدوده میدان بینایی در ادراک ما شکل می‌گیرد. از سوی دیگر میدان بینایی در شکل‌گیری‌اش شامل قسمت‌های مختلفی از بدن است که می‌تواند محیط پیرامونی را مخفی کرده یا آنها را مشمول بینایی کند. بینی یک مثال کاملاً مشخص است که تقریباً در تمام تجارب بینایی ما حضور دارد. پس از آن گونه‌ها و شاید ابروها هستند که با درجه کمتری در شکل‌دهی میدان بینایی حضور دارند. در واقع «گیبسون» این نظر را ارایه می‌دهد که مشخصات میدان بینایی را می‌سازند از جمله بینی و ابرو و گونه و نیز محل جای‌گیری چشم‌ها یک قالب یا محدودیت‌های واضح را تشکیل می‌دهند، قایی که مهم‌ترین مشخصه

### نگاهی به آمار و دلایل مرگ نوزادان نارس

## رویاهایی که تعبیر نشده دفن می‌شوند

### ترجمه: رکسانا راست‌روان

است، به عنوان مثال در ایالات متحده آمریکا در سال ۲۰۰۹ - موارد تولد زودرس در آمریکاییان آفریقایی‌تبار ۱۷/۵درصد است. - در نژاد قفقاز میزان تولد زودرس ۱۰/۹درصد است. - در زنان ۲۰ تا ۳۵ساله میزان زایمان زودرس بین ۱۱ تا ۱۲درصد است. - در زنان زیر ۱۷ سال و بالای ۴۰ سال موارد زایمان زودرس بالای ۱۵درصد است. **موارد مرگ زودرس (نوزاد) در دنیا متغیر است** در کشورهای توسعه‌نیافته، بیش از ۹۰درصد نوزادان متولدشده در کمتر از سه ماه فوت می‌کنند. در کشورهای توسعه‌یافته، کمتر از ۱۰درصد نوزادان

- بیشتر زنانی که در سنین باروری هستند، به دیابت مبتلا هستند. - بیشتر زنانی که در سنین باروری هستند، چاق هستند. - در این کشورها موارد بیشتری برای انجام سزارین قبل از اینکه دوران باروری به صورت کامل سیری شود، پیش می‌آید که بسیاری از آنها از نظر طبی الزامی نیستند. عوامل اصلی که در کشورهای فقیر میزان تولد زودرس را افزایش می‌دهد شامل ایندز، موارد بالای بارداری در نوجوان‌ها (زیر ۲۰ سال)، عفونت‌ها و مالاریاست. معذالک بسیاری از موارد تولد زودرس در کشورهای فقیر و غنی بدون توجیه است. موارد تولد زودرس در بعضی از کشورها خیلی متغیر

**کشورهایی که بالاترین میزان تولد نوزاد نارس را دارند (در سال)**

|                                       |                                |                                                        |                                                        |
|---------------------------------------|--------------------------------|--------------------------------------------------------|--------------------------------------------------------|
| <b>هندوستان- ۳۵۱۹۱۰۰</b>              | <b>مالاوی- ۱۸/۱ درصد</b>       | <b>کشورهایی که پایین‌ترین میزان تولد نارس را دارند</b> | <b>کشورهایی که پایین‌ترین میزان تولد نارس را دارند</b> |
| <b>چین- ۱۱۷۲۳۰۰</b>                   | <b>کومور و کنگو- ۱۶/۷ درصد</b> | <b>بالاروس- ۴/۱ درصد</b>                               | <b>مالاوی- ۱۸/۱ درصد</b>                               |
| <b>نیجریه- ۷۷۳۶۰۰</b>                 | <b>زیمبابوه- ۱۶/۶ درصد</b>     | <b>اکوادور- ۵/۱ درصد</b>                               | <b>کومور و کنگو- ۱۶/۷ درصد</b>                         |
| <b>پاکستان- ۷۴۸۱۰۰۰</b>               | <b>گینه- ۱۶/۵ درصد</b>         | <b>لتونی- ۵/۵ درصد</b>                                 | <b>زیمبابوه- ۱۶/۶ درصد</b>                             |
| <b>اندونزی- ۶۷۵۷۰۰۰</b>               | <b>موزامبیک- ۱۶/۴ درصد</b>     | <b>فینلاند، کرواسی و ساوآ- ۵/۵ درصد</b>                | <b>اندونزی- ۶۷۵۷۰۰۰</b>                                |
| <b>ایالات متحده- ۵۱۷۴۰۰۰</b>          | <b>کابن- ۱۶/۳ درصد</b>         | <b>لیتوانی و استونی- ۵/۸ درصد</b>                      | <b>ایالات متحده- ۵۱۷۴۰۰۰</b>                           |
| <b>بنگلادش- ۴۲۴۱۰۰۰</b>               | <b>پاکستان- ۱۵/۸ درصد</b>      | <b>اتئیکوا و باربودا- ۵/۸ درصد</b>                     | <b>بنگلادش- ۴۲۴۱۰۰۰</b>                                |
| <b>فیلیپین- ۳۴۸۹۰۰۰</b>               | <b>اندونزی- ۱۵/۵ درصد</b>      | <b>ژاپن و سوئد- ۹/۵ درصد</b>                           | <b>فیلیپین- ۳۴۸۹۰۰۰</b>                                |
| <b>جمهوری دموکراتیک کنگو- ۳۴۱۴۰۰۰</b> | <b>موریטانی- ۱۵/۴ درصد</b>     | <b>-</b>                                               | <b>جمهوری دموکراتیک کنگو- ۳۴۱۴۰۰۰</b>                  |
| <b>برزیل- ۲۷۹۳۰۰۰</b>                 | <b>-</b>                       | <b>-</b>                                               | <b>برزیل- ۲۷۹۳۰۰۰</b>                                  |

## از نگاه روانپزشک

رهنمودهایی برای کامیابی در آغاز زندگی مشترک

**انبان خشم پنهان و پیدا**



دکتر بهنام اوحدی  
روانپزشک

■ آغاز زندگی زناشویی در هر فرهنگ و اجتماع، آداب و آیین‌های ویژه خود را دارد. در اجتماع ما ایرانیان، بسته به جایگاه جغرافیایی (استان و شهر) قوم و طایفه، آیین‌ها و مراسم رنگارنگی از خواستگاری تا سیمسومی پیش چشم و ذهن می‌نشینند. دهه‌هاست که همچون برخی مناطق هندوستان، این‌گونه آیین‌ها با زیاده‌روی غیرمنطقی همراه و همبسته شده است. آداب و آیین‌هایی که در بسیاری از موارد به جای آنکه به کامیابی و شادکامی تازه‌عروس و تازه‌داماد بینجامد، ریشه و سرچشمه اختلاف‌های خانوادگی و انبان پر از خشم پنهان می‌شود. سخت‌گیری و تکراه‌گرایی در پرداخت مهریه و فراهم آوردن چیزیه و چگونگی برگزاری شکوهمند جشن عروسی از مهم‌ترین چالش‌ها و کشمکش‌های خانواده عروس و داماد است. به راستی تا چه اندازه چنین سخت‌گیری‌هایی می‌تواند به آرامش و آسایش فردای خانواده نواخته بینجامد؟ در بسیاری از موارد مشکلات زناشویی زوج‌های جوان را می‌بینیم که ریشه و سرچشمه انبان خشم پنهان و پیدای داماد به چگونگی برخورد دو خانواده در مراسم خواستگاری و واکنش مادر و پدر عروس خانم درباره چپستی و چگونگی پرداخت مهریه در جلسه مهربرون می‌رسد که این سرخورده‌گی و خشم به آنجا می‌انجامد که ماه‌ها و سال‌های بعد به سوی نوجروس روانه و جابه‌جا شود و به آسانی زمینه بی‌میلی و کم‌توانی جنسی زناشویی در رابطه با او را پدید آورد.

شیوه برگزاری جشن عقد و عروسی، ریشه و سرچشمه بعدی انبان خشم پنهان و پیدای آغاز زندگی زناشویی است. چشم و هم‌چشمی‌های فراوانی در این‌باره در اجتماع ما دیده می‌شود که پیاپی به آن می‌انجامد که هزینه برگزاری جشن ازدواج، سرسام‌آورتر شود. خرید عقد و عروسی، انگشتر و سروس جواهرات، آینه و شمعدان، لباس عروس، شمار مهمانان، تالار برگزاری مراسم، ماشین عروس و سفر ماه عسل از جمله این موارد اختلاف‌ساز هستند. کنش و واکنش عروس و داماد و خانواده و خاندان هر کدام در هر یک از این فرایندهای ازدواج، ریشه و سرچشمه اختلافات فراوان بوده و هست. چه بسیار تازه‌عروسانی که به دلیل کاستی‌هایی در شکوهمندی جشن عروسی‌شان تا ماه‌ها و سال‌ها درگیر و دچار انبان خشم پنهان و پیدا بوده‌اند. این همه در حالی است که در جوامع پیش‌تاخته کوشش بر آن بوده است که نه فقط مراسم ناگوار مرگ و سوگواری، که همچنان آیین‌های شکوهمند جشن عروسی مردم، را برومند اما آسان انجام شود و فشار و تنش به خانواده‌ها وارد نشود. در آمریکا و اروپا، جز مراسم ازدواج سال‌گزار سینما و موسیقی یا برخی میلیاردها دلار، آنجا این شیوه مردم‌سالار تا تازه‌عروس و تازه‌داماد را با خاطری خوش و آسوده واه ماعسل شوند و زندگی زناشویی‌شان را با شادمانی و کامیابی آغاز کنند.

در روسیه و اوکراین با چشم خود دیدم و چند بار شنیدم که شمار مهمانان جشن عروسی، دست بالا ۵هزار است و مراسم نه در تالار که در یک رستوران از پیش اجاره‌شده برگزار می‌شود. عروس و داماد به همراه دویسان نزدیک‌شان، یک یا دو تاندرنده و یکی، دو دکاس فیل و فیلم‌برداز را بامداد در شهر می‌چرخند و عکس‌های یادگاری با یادبوندهای تاریخی شهر می‌گیرند تا در آستانه غروب روانه رستوران مذکور شوند. لباس عروس ایتالیایی، بسته به مرغوبیت پارچه و دوخت و اوکراین، از ۲۰۰ تا ۲هزار تومان ارزش دارد و کل هزینه‌های جشن به‌دامادانند ازدواج کمتر از سه‌میلیون تومان می‌شود. هنگامی که چند سال پیش، یکی از ستارگان نام‌آور سینما و تلویزیون اوکراین لباس عروسی به بهای سه‌میلیون تومان دوخت تا مدت‌ها سوزه نکوش و سرزنش تلویزیون، مطبوعات و مردمان آن کشور بود. در حالی که چنین رقمی در ایران هرگز آنچنان شگفت‌انگیز نیست و برای بسیاری از دختران کلاشهرها رقمی معمولی و متداول برشمرده می‌شود.

به نظر می‌رسد ما هدف و وسیله را فراموش کرده‌ایم؛ در این گمراهی و سرگشتگی، همگانه آنچه که از دست می‌رود، شادمانی و کامیابی زوج جوان و پایداری و استواری خانواده نواخته‌ست. پول‌هایی که به سختی به چنگ آمده‌اند، آسان، شتابان و به‌په‌په خرج چشم و هم‌چشمی‌های غیرمنطقی می‌شود و سخت‌گیری‌ها و یافشساری در این راستا، ریشه و سرچشمه خشم پنهان تازه‌عروس و تازه‌داماد و خانواده‌هایشان می‌شود تا ناکامی، سرخورده‌گی، خشم، کینه و انگیز و انتقام‌جاشین عشق‌ورزی و دل‌بستگی شود. ۲۰۰۰سال پیش آداب و آیین‌های آغاز تا پایان ازدواج، بسیار ساده‌تر و صمیمی‌تر برگزار می‌شد و اینچنین «آفتابه لگن هفت دست، شام و ناهار هیجی!» نبوده، آسان و شتابان انبان خشم پنهان و پیدایی فراهم نمی‌شد. خانواده‌ها شادمان‌تر و پایدارتر بودند و میزان طلاق و جدایی در چند سال نخست ازدواج بسان اکنون نبود. به نظر می‌رسد اکنون بیش از هر هنگام، دیگر، آداب و آیین آغازین ازدواج در ایران نیازمند بازنگری و دگرگونی بنیادین است تا انبان خشم پنهان و پیدا اینچنین فراهم نشود و ریشه و سرچشمه سسردی و دل‌زدگی جنسی- زناشویی در همسران جوان را پدید نیآورد. ملزم کردن دو سوی ازدواج به انجام مشاوره پیش از ازدواج نزد مشاور زنده و کارآموده و نیز فراگرفتن تفکات‌های پنداری، کرداری و گفتاری زن و مرد و مهارت‌های همسرمداری و زندگی زناشویی می‌تواند بسیار فراثر از آیین‌های گراف پرهزینه، زمینه‌خوب‌بخشی و شادمانی زوج جوان را پدید آورد. به نرخ شتابان و بالای جدایی و طلاق سال‌های نخست ازدواج، ژرف بینگرمی و طرحی نو در اندازیم.